

بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی

ابراهیم حاجیانی

تاریخ ارائه: ۱۳۸۳/۴/۱۰

دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ تأیید: ۱۳۸۳/۴/۱۵

چکیده

دین همواره نیرومندترین عامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بوده است و باورهای مذهبی، تداوم اجتماع را از طریق معنابخشی به حیات جمعی و قاعده‌مندسازی مناسبات گروهی، تضمین کرده‌اند. در عین حال دین مقوله‌ای تفسیرپذیر است و از این رو منشاء تاریخی شکل‌گیری نحله‌ها، فرقه‌ها و دستجات مختلف بوده است که پیامد آن شقاق اجتماعی و ناپایداری سیاسی است. در این شرایط، گروه‌های منشعب غالباً در جستجوی تشکیل جماعتی کوچک‌تر از جامعه ملی هستند و فرآیند ادغام اجتماعی را مختل می‌کنند.

مقاله حاضر ضمن اذعان به کارکردهای انتظام‌بخش و انسجام‌آور آئین‌های مذهبی؛ تنها به بررسی و تبیین جامعه‌شناختی تأثیرات مختل‌کننده فرقه‌گرایی مذهبی در روند استقرار نظم و ثبات سیاسی می‌پردازد و این فرضیه را به آزمون می‌گذارد که فرقه‌گرایی مذهبی، تهدیدی نرم برای ثبات سیاسی و محملی برای بروز خشونت در اجتماع است.

بر این اساس، فرقه‌ها در مقام اپوزیسیون اجتماعی هیأت حاکمه، نقش مهمی در تزلزل وحدت سیاسی و تضعیف مبانی مشروعیت حکومت ایفا می‌کنند. این گروه‌ها ممکن است سیاست خارجی دولت را تحت تأثیر قرار داده و عامل تحریک خارجی علیه دولت مستقر باشند.

کلیدواژه‌ها: کنش مذهبی، گرایش فرقه‌ای، خشونت سیاسی، انشقاق اجتماعی.

مقدمه

تغییر شرایط و تحول در محیط فرهنگی و هنجاری، مسایل و پدیده‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. این پدیده بنا به ماهیت خود، بر وضعیت سایر حوزه‌های نظام اجتماعی از جمله ثبات در حوزه سیاسی نیز تأثیر می‌گذارد. هدف اصلی این نوشتار، بررسی و تبیین موضوع «فرقه‌گرایی مذهبی» است و سؤالات اصلی آن عبارتند از:

۱. مفهوم و ماهیت فرقه‌گرایی مذهبی چیست؟ شاخص‌ها و مؤلفه‌های اساسی آن کدام است؟
۲. فرقه‌گرایی مذهبی چه تأثیری ثبات سیاسی، نظم اجتماعی و امنیت عمومی می‌گذارد و ساز و کار تبعات و کارکردهای آن کدامند؟

الف. ماهیت و مفهوم فرقه‌گرایی مذهبی

فرقه‌گرایی اساساً منشاء دینی دارد، هرچند که می‌تواند ماهیت، شکل و یا خاستگاه سیاسی هم داشته باشد. ادیان در طول تاریخ، مهم‌ترین منشاء شکل‌گیری آئین‌ها، دستجات و فرق بوده‌اند. شکل‌گیری نحله‌های مختلف در حوزه دین‌های بزرگ تاریخی پدیده‌ای رایج بوده و هست. در دامان ادیان، همواره کیش‌ها و آئین‌هایی به وجود آمده‌اند که آنها نیز به نوبه خود مایه تولد فرقه‌های جدیدتری شده‌اند. اما این ویژگی با کارکرد اساسی دین در تناقض است. آن‌گونه که در اکثر نظریه‌های جامعه‌شناختی به ویژه نظریه دورکیم آمده است، دین منشاء و عامل همبستگی و همدلی بین آحاد و اعضای هر جامعه است زیرا باعث تقویت روح جمعی و اشتراک نظر مردم در خصوص باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌شود.

علت این امر آن است که در همه ادیان و در همه دوره‌های تاریخی، همواره گروه‌ها و حرکت‌های جدیدی از بطن دین به وجود آمده‌اند که همگی در ابتدای پیدایش، ماهیتی فرقه‌ای و محفلی داشته‌اند. در این مقطع، ادیان نه در جهت تقویت همبستگی اجتماعی بلکه برخلاف آن عمل می‌کنند. اما با فراگیر شدن و اقبال عمومی به این نحله‌ها، دوباره کارکرد انسجام بخش و پیوند دهنده خویش را ایفا می‌کنند.

بر این اساس، انواع انشعاب‌ها در درون یا حاشیه ادیان بزرگ را می‌توان به نحو زیر

تقسیم‌بندی کرد:

الف. فرقه‌های سنتی و قدیمی که به طور سنتی در دامن ادیان تاریخی و بزرگ به وجود آمده‌اند. (مانند صوفی‌گری)

ب. جنبش‌های جدید مذهبی^۲

ج. مذاهب^۳؛ که در اثر تکوین و گسترش فرقه‌ها و تبدیل وضعیت اجتماعی آنها مطرح می‌شوند.

مطابق این تقسیم‌بندی، فرقه به هر گونه انشعاب گروهی از دین اصلی و رایج اطلاق می‌شود که مبدع و یا بازآفرین ارزش‌های معنوی و اعتقادی جدید باشد. فرقه از بطن یک آئین یا دین مستقر به وجود می‌آید و ممکن است مانند برخی از جنبش‌های جدید دینی، تلفیق و تألیفی از عقاید چند دین متفاوت باشد. از نظر استارک و بین بریج، فرقه انحراف و رویگردانی از یک سازمان مذهبی جا افتاده است. حال آنکه کیش را باید نوعی دین نوپدید و غیرمنشعب از سازمان مذهبی تثبیت یافته دانست. (۱) جنبش‌ها و انشعاب‌های دینی، غالباً با تقسیم‌بندی‌ها و کشمکش‌های اجتماعی همراه بوده‌اند؛ بنابراین بررسی فرقه‌ها می‌تواند تا اندازه‌ای به بررسی اختلاف‌های اجتماعی نیز منجر شود. (۲) به این معنا، فرقه گروه کوچکی است که به منظور اعتراض، اصلاح، تکمیل و یا بازسازی ادیان بزرگ به وجود می‌آید و طبیعی است که در ابتدا بسیار بطئی بوده و با پیروانی اندک، کار خود را آغاز می‌نماید.

یکی از مسایل مهم در این بررسی، تفاوت بین دین و فرقه است که ارایه تبیینی روشن از آن ضروری است. میشل مالرب در پاسخ به این سؤال چند ملاک زیر را ارایه و نقد کرده است: اول آنکه، ملاک تفاوت دین و فرقه، «کام‌یابی» است. ادیان کام‌یاب بوده و پیروانی فراوان دارند. اما فرق، فاقد چنین اقبالی هستند و البته ادیان بزرگ نیز در آغاز راه پیروان زیادی نداشته‌اند.

دوم آنکه، ادیان در پی ایجاد یک پیوند روحانی بین آدمیان و خداوند هستند. اما فرقه را گروهی از مردم تشکیل می‌دهند که سلوک‌شان از روال عادی فراتر می‌رود تا جایی که در نگاه

1. Sect

2. New Religion movment

3. Denominization

اکثریت بزرگ مردم - چه دیندار چه بی‌دین - به ریشخند و یا رسوایی می‌رسند. به بیان دیگر، فرقه‌گرایان به رفتارهای مذهبی نابهنجار و خارج از عرف می‌پردازند که موجب تحیر سایرین می‌شود.

سوم آنکه در فرقه‌ها، باور مردم با ایمان، به سوی اهدافی سوق داده می‌شود که در آنها وجهه‌ای از روحانیت وجود ندارد. مانند پول، جاه‌طلبی شخصی و سیاست، به شرط آنکه این جاه‌طلبی‌ها هدف آگاهانه و حساب شده خود دین (جدید) باشد. (۳) بنابراین شاخص و وجه ممیزه دین و فرقه از نگاه مالرب در شخصیت رهبران و بنیان‌گذاران فرق و تمایل آنها به سوء استفاده شخصی از عقاید و اعضای فرقه نهفته است.

نوع دیگر جهت‌گیری مذهبی، صوفیگری^۱ است که در آن مبنا بر عضویت آزادانه مؤمنان در یک سازمان یا ساختار کوچک است.

نیبوهی^۲ به جای فرقه مفهوم انجمن مذهبی^۳ را برای بررسی انحراف از آموزه‌ها و سازمان‌های مذهبی سنتی و مسلط مطرح کرده است که محصول تقسیم‌بندی و تمایز روزافزون جامعه است. به نظر وی، فرقه‌ها و انجمن‌های مذهبی بیش از یک نسل دوام نمی‌آورند؛ زیرا در نسل دوم، فرقه تبدیل به دین شده و عضویت افراد در آن مادرزادی می‌شود. (۴)

در ادبیات جامعه‌شناسی، محرومیت به عنوان یکی از منابع مهم فرقه‌گرایی به حساب آمده است. ترولتس، فرقه‌ها را اعتراض علیه نظم موجود می‌داند که به وسیله آن، افراد محروم موقتاً بر احساس محرومیت‌شان فایق می‌آیند. (۵) وی بر آن است که آئین‌های فرقه‌ای، به منظور ارایه راه‌حل‌های دینی برای رفع محرومیت اقتصادی، انقلابی نمادین را به جای یک تغییر بنیادین در ساخت اجتماعی می‌نشانند. فرقه‌ها سعی می‌کنند تا خود را از عناصر ساختی نظم اجتماعی سنتی آزاد کنند و همین مسأله باعث افراط‌گرایی آنها می‌شود.

هیل از نگاهی دیگر، ایجاد فرقه‌ها را ناشی از محرومیت منزلتی می‌داند (۶) و آن را مبنای شکل‌گیری گرایش‌های تند و پرخاش‌گر در فرق تلقی می‌کند. یکی از نکات حایز اهمیت در

1. Mysticism

2. Niebuhy

3. Denomination

فرقه‌ها آن است که پایگاه دینی در فرقه، میل به برتری دارد. نقش دینی، نقش غالب است و سایر پایگاه‌ها فرعی‌اند. بنابراین همه تعاریف دیگر نقش و رفتارهای آن از پایگاه دینی نشأت می‌گیرند. (۷) به همین دلیل فرقه‌ها تمایل فراوانی برای افراط‌گرایی، خشونت و پرخاش‌گری دارند. التزام فرقه‌ای در میان اعضا، چنان‌تام است که فرد ممکن است در مقابل تعاریف نقش - بیرون از فرقه - فعالانه مقاومت کند. فرقه‌ها مانند جنبش‌های انقلابی، تمامی التزام و انرژی اعضای خود را جذب می‌کنند.

بین بریج به نقل از بتون جانسون، ویژگی‌های اصلی فرقه‌های مذهبی را به ترتیب ذیل برمی‌شمارد:

۱. جدایی از اجتماع کلی و برخورداری از ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت
 ۲. تمایل به تضعیف نگرش‌ها و ساختار اجتماعی
 ۳. تأکید بر تجربه درون قلبی اعضا
 ۴. عضویت داوطلبانه (در مقابل عضویت مادرزادی)
 ۵. روحیه بازآفرینی
 ۶. غلبه روحیه فردی و اخلاق طبیعی (۸)
- بنابراین در جمع‌بندی ویژگی‌های فرقه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. فرقه انشعاب و انحراف از سازمان مذهبی مسلط جامعه است. فرقه از جامعه بزرگتر جدا و با مذهب رسمی موجود، مخالف و ناسازگار است.
 ۲. در فرقه‌ها، ریاضت‌جویی رایج است و این امر به تدریج تعلقات دنیوی را در بین اعضا حاکم می‌کند. چون در اثر ریاضت‌جویی، امنیت مالی بهتری به وجود می‌آید.
 ۳. فرقه‌ها تمامیت‌گرا هستند و با سایر گروه‌های مذهبی مخالفند. آنها تمایلی به رواداری و همزیستی با دیگران ندارند و خصوصیتی نظیر آشتی‌جویی و تطبیق با شرایط، از شناسه‌های آنها نیست.
 ۴. فرقه‌ها، متعصب و بر درستی عقاید خود مصراند. بنابراین، خود را درست‌آئین^۱ دانسته و مدعی انحصار در کشف حقیقت هستند.

1. Orthodox

۵. فرقه‌ها برای حفظ موقعیت و نفوذ خود، در عضوگیری قایل به محدودیت بوده و ریشه‌گرا (یا بنیادگرا) هستند.
۶. عضویت در فرقه - حداقل در نسل اول - داوطلبانه و اختیاری است و منوط به کسب بعضی فضایل، آگاهی از آموزه فرقه و یا گرایش به نوع خاصی از تجربه مذهبی است. فرقه هر کسی را در درون خود نمی‌پذیرد و رویه‌های خاصی برای اخراج اعضا دارد.
۷. رهبران فرقه معمولاً از رهبران رده پائین سازمان مذهبی (رسمی) بوده‌اند که اینک درصدد دستیابی به رده‌های بالاتری از اقتدار معنوی هستند.
۸. فرقه‌ها خود را حافظ تعالیم و اصول اولیه‌ای می‌دانند که به نظر اعضا، سازمان رسمی مذهب، آنها را سست یا رها کرده است.

ب. جنبش‌های جدید مذهبی

یکی دیگر از روندهای اجتماعی جدید در حوزه دین، شکل‌گیری جنبش‌های جدید مذهبی است. هم‌اکنون در حدود ۲۶۰۰ جنبش مذهبی در اروپا و آمریکا وجود دارد که تنها در آمریکا ۱۲ میلیون نفر پیرو دارند. (۹) جنبش‌های جدید، حاکی از تلاش نسبتاً سازمان یافته بخشی از مردم، برای حفظ یا تغییر سازمان دینی یا برخی ابعاد زندگی دینی است. (۱۰) این جنبش‌ها از جنگ دوم جهانی به بعد و به ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در جهان غرب رشد کرده‌اند و نسبت به فرقه‌های مذهبی، مدرن‌تر و امروزی‌تر به شمار می‌آیند. (۱۱) درباره تمایز میان جنبش‌های جدید و فرقه‌ها، یواخیم واخ به نکته مهمی اشاره کرده است. وی بر آن است که جنبش اعتراض دینی، یا گروهی مستقل است که راه و رسمی تازه و ویژه در پیش می‌گیرد؛ که تحت عنوان «جنبش جدید دینی» نامیده می‌شود و یا به بعضی اصول و قواعد اصلی دین (دین منشاء یا مادر) مقید است که فرقه نام دارد. (۱۲) به نظر می‌رسد که این گرایش‌های جدید، محصول بازگشت قدرتمندانه دین به صحنه عمومی جوامع غربی در دهه ۱۹۷۰ و از هم پاشیدگی نهادهای سنتی دین است. (۱۳)

مشخصه این نوع دینداری، «خارج کردن امر دینی از دین» است. به این معنی که امر قدسی در حوزه‌هایی نظیر سیاست، فوتبال و یا حتی هنر تجلی می‌یابد. این دینداری‌ها با عنوان

سکولار یا «دین فردی شده» نیز شناخته می‌شوند. دینداری سکولار به مفهوم درهم آمیزی^۱ نظام‌های اقتصادی و مقوله‌های فکری و عقیدتی متعلق به دستگاه‌های گوناگون معرفتی است. درهم‌آمیزی سوسیالیسم و مسیحیت (الهیات رهایی بخش در آمریکای جنوبی و لاتین)، درهم‌آمیزی اسلام و سوسیالیسم یا اسلام و لیبرالیسم (دینداری‌های ایدئولوژیک)، در هم‌آمیزی ادیان غربی و شرقی، درهم‌آمیزی ادیان شرقی و نظریات علمی مدرن به ویژه نظریات روان‌شناسی و اشکال دیگر جنبش‌های نوین دینی در غرب، از مصادیق ادعای فوق به حساب می‌آیند. ریشه این نوع دین‌داری، عمدتاً ادیان تاریخی و بزرگ مثل آئین هندو، بودا، اسلام، مسیحیت و یا مذاهب سرخپوستان آمریکای لاتین (که نماد آن، کارلوس کاستاندا است) و نیز ورزش‌های رزمی و ذهنی (روانی) ژاپنی، کره‌ای و چینی مانند یوگا، کونگ فو و ذن هستند. کلیسای وحدت‌بخش، فرزندان خدا، جماعت مسیحی، رسالت نورالهی، جامعه بین‌المللی برای آگاهی کریشنا، مراقبه متعالی، معبد مردم آشوم شیرینکیو، ساتی بابا و بسیاری دیگر از آئین‌های مذهبی که نگاه به جوامع شرقی داشته و تصوف ویژه ادیان شرقی را به کار گرفته‌اند، نمونه‌ای از این تحولات جدید در حوزه دین به شمار می‌روند. این گروه‌ها عمدتاً به مغزشویی، آدم‌ربایی، کاربرد هیپنوتیزم، شگردهای نظارت ذهنی و مصرف مواد مخدر متهم شده‌اند. این مذاهب نیز مانند فرقه‌های سنتی، غالباً از طریق مغزشویی و اعمال روش‌های تحمیلی و یا مصنوعی به فریب جوانان می‌پردازند. بسیاری معتقدند که این جنبش‌ها، اعضا را در معرض تظاهرات افراطی، محبت عمیق، توجه دایمی، تحسین و فوران احساسات گرم و صمیمانه و یا حتی دام‌گستری جنسی، فشار جسمانی و انزوای اجتماعی قرار می‌دهند. در هر حال این جنبش‌ها دارای اعتقادات و رفتار خاص، سازمان‌دهی، رهبری، گردش مالی، سبک زندگی و نگرش‌های متمایز نسبت به زنان و کودکان، نظام آموزشی و مناسبات اخلاقی هستند که آنها را از دین رسمی و یا حتی فرقه‌های سنتی جدا می‌کند. (۱۴)

بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که این جنبش‌های نوپدید دینی را باید به مثابه واکنش‌های متفاوت در برابر مسایل عصر تجدد و مدرنیسم، به ویژه در میان جوانان طبقه متوسط و طبقات مرفه دانست. از نظر کاستلنز هویت‌های جدید مذهبی نوعی رفتار بنیادگرایانه است. بنیادگرایی

1. Syncretisme

به معنای بر ساختن هویتی برای انطباق رفتار فردی و نهادهای جامعه با هنجارهای برگرفته از احکام خداوند است و تفسیر آنها صرفاً بر عهده مرجع مقتدری است که واسطه خداوند و بشریت است. (۱۵) این اقدامات به عنوان جنبش‌های تحدید حیات^۱ مشهوراند. در جمع‌بندی علل شکل‌گیری فرقه‌ها و آئین‌های مذهبی می‌توان به دو نکته مهم اشاره نمود:

اول آنکه، میزان ادغام دین رسمی با ساختار حکومتی و سیاسی در رشد انواع جنبش‌های جدید دینی مؤثر است. این ادغام، باعث می‌شود تا ناراضیان سیاسی، مبانی دینی حاکمیت را انکار و دست به ابتکار عمل در این‌باره بزنند.

دوم آنکه، عملکرد فرقه‌ای حکومت می‌تواند فرقه‌گرایی مذهبی را دامن بزند. به این معنی که حکومت متعلق به یک فرقه باشد و یا با افراط‌گرایی دینی و تعصب مذهبی و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، پاره‌ای ویژگی‌های مذهب رسمی را تبلیغ کرده و برخلاف اکثریت جامعه - دینداران معمولی و متعادل - سعی در تثبیت وقایع و یا ترویج مفاهیم خاصی داشته باشد. از سوی دیگر، بحران ارزش‌ها یا هنجارها، جانشینی آئین‌های جدید به جای شورش‌های سیاسی یا شورش‌های فرهنگی (مانند ناآرامی‌های دهه ۱۹۶۰ در اروپا)، غلبه دو روحیه فایده‌گرایی و مادی‌اندیشی، مصرف‌گرایی نوین و عقلانیت فرهنگی تحت سلطه علم، به عنوان منشاء این جنبش‌ها به حساب می‌آیند. (۱۶)

بنابراین در جوامع، با انواع انشعاب‌های مذهبی روبرو هستیم که هر کدام به میزان معینی با جامعه بزرگتر و دین رسمی فاصله و تمایز دارند. برای شناخت بهتر می‌توان آنها را در دو دسته کلی فرقه‌های سنتی (مثل صوفی‌گری در اسلام) یا جنبش‌های جدید دینی (مثل ذن) تقسیم کرد. همه این فرقه‌ها و گرایش‌ها، در انشعاب و انحراف از دین رسمی و مستقر مشترک هستند. بنابراین، کارکرد همگی آنها، تعمیق شکاف‌های مذهبی به عنوان یکی از ابعاد مهم شکاف‌های اجتماعی^۲ است.

1. Revitalization Movement

2. Social gap

ج. مکانیسم تأثیر فرقه‌گرایی مذهبی بر ثبات سیاسی

دیوید ساندرز در کتاب مهم خود تحت عنوان بی‌ثباتی سیاسی، پس از مرور رویکردها و تعاریف بی‌ثباتی سیاسی، بر آن است که بی‌ثباتی وقوع رخداد و حوادث بی‌ثبات کننده بر اساس عرف و شرایط هر جامعه است. به سخن دیگر، وقوع حوادث و مسایلی که تعادل هر جامعه را برهم می‌زند، نشان از بی‌ثباتی آن جامعه است. (۱۷) افزون بر این، شاخص و وجه ممیزه این رخدادها، آمیختگی آنها با خشونت است. به بیان دیگر، بی‌ثباتی سیاسی به معنای بروز رخداد‌های (غیرعادی) خشونت‌آمیز در یک جامعه سیاسی است. این رخدادها، می‌توانند علیه حکومت جهت‌گیری شوند و یا آرامش و تعادل اجتماعی شهروندان را برهم بزنند.

۱. فرقه‌گرایی مذهبی و اختلال اجتماعی

مذهب از بعد جامعه‌شناختی، موجب انسجام و یگانگی میان افراد و جوامع می‌شود. اعتقاد به باورها، ارزش‌ها و نمادهای مشترک، هم‌دلی و هم‌آهنگی را میان مؤمنان ایجاد و تقویت می‌کند. /میل دورکیم، در بررسی کارکردهای اصلی دین به چهار مورد اشاره کرده است که عبارتند از: انضباط بخشی، انسجام بخشی، حیات بخشی و اعطای خوشبختی (۱۸). از لحاظ انسان‌شناسی نیز دین واجد سه کارکرد اصلی است:

دین از کارویژه سازمان‌دهی برخوردار است؛ زیرا نظمی را مفروض گرفته و حفظ آن را مهم می‌داند.

از سوی دیگر دین /ایمنی دهنده است. زیرا ترس و تنش‌های روانی انسان را از طریق ایمان و امید به عدالت، به سطح قابل‌تحملی می‌رساند.

کارکرد سوم دین نیز انسجام بخشی است؛ زیرا با اخلاق (حریم‌ها و تنبیه‌های ناشی از تخطی نسبت به آنها) سر و کار داشته و جماعت دین‌داران را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (۱۹)

بسیاری از جامعه‌شناسان اذعان دارند که دین به واسطه توافقی که بین انسان‌ها ایجاد می‌کند، نوعی نظم و هم‌آهنگی را در بین آنها به ارمغان می‌آورد. نقش اجتماعی دین اساساً در مجتمع کردن انسان‌هاست. دین، پیوستگی اعضای جامعه و الزامات اجتماعی را افزایش می‌دهد و به وحدت میان آحاد جامعه کمک می‌کند. دین توافق گسترده‌ای را در سطح جامعه تضمین

می‌کند؛ زیرا ارزش‌هایی که زیربنای نظام‌های الزام اجتماعی هستند، در بین گروه‌های دینی مشترک‌اند. (۲۰) اهمیت و تأثیر دین در حفظ توافق و اجماع^۱ تا بدانجاست که در نظریات مارکسیستی از دین به عنوان عامل حفظ وضع موجود و دفاع از نهادهای سیاسی و نظم نابرابر یاد شده و حتی این پرسش نیز مطرح شده است که آیا دین مانع بروز تغییرات و اصلاحات اجتماعی است یا خیر؟

حال پرسش اساسی این است که آیا دین، همواره نقش انسجام بخش خود را حفظ می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: فرقه‌گرایی مذهبی، یکی از عواملی است که مانع بروز کارکرد انسجام بخش دین می‌شود. در این چهره، دین مشابه یک خط گسل و شکاف اجتماعی عمل کرده و موجبات تجزیه و انشقاق شهروندان را فراهم می‌کند. فرقه‌های مذهبی، مردم را به چندبخش و گروه متفاوت تقسیم می‌کنند. از نظر گئورگ زیمل، در فرقه‌ها صورت‌های خاصی از کنش‌های متقابل ساختاری حاکم است. رفتار فرقه‌ای مبتنی بر این باور است که اعضای یک فرقه در یک دانش رمزآمیز و منحصر به فرد با یکدیگر سهیم‌اند و از همین روی فراتر از جهان پست روزمره سیر می‌کنند. این امر به تعلق خاطر شدید و انحصاری اعضای فرقه به یکدیگر و دوری از امور خارج از فرقه منجر می‌شود. (۲۱)

بر این اساس همه انسان‌های خارج از فرقه، «غریبه و بیگانه» محسوب می‌شوند که نباید با آنها به تعامل پرداخت زیرا در جهان و موقعیت دون و پستی قرار دارند و شایسته هم‌کاری، مشارکت و هم‌دلی با اعضای فرقه نیستند. این مهم‌ترین و در عین حال ابتدایی‌ترین کارکرد منفی فرقه‌گرایی است. اهمیت این موضوع به این خاطر است که این نوع نگرش و رفتار فرقه‌ای، دیگران را مستحق هر گونه برخورد ناشایست (از عدم ارتباط تا حذف فیزیکی) می‌داند و در نتیجه، زمینه‌های انشقاق و چند دستگی را در صحنه اجتماع به وجود می‌آورد. انواع خصومت‌ها و تکفیرها، ناشی از حاکمیت چنین الگوهایی در فرقه‌ها است.

علاوه بر این، فرقه‌ها منبع رفتارها و الگوهای متنوع انحرافی و نابهنجار هستند و در جریان عضوگیری نیروهای جدید و یا ایجاد شرایط برای تداوم عضویت آنها، از انواع محرک‌ها و زمینه‌ها بهره می‌جویند. دام‌گستری‌های جنسی، رفتارهای ریاضت‌جویانه، اغوای جوانان،

1. Consenciois

خودکشی‌ها و مرگ‌های دسته‌جمعی، قربانی کردن و سوء استفاده از امکانات مالی و اقتصادی اعضا و حتی سوء استفاده جنسی از آنها، بر نگرانی‌های عمومی دامن زده و احساس امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد. می‌توان گفت که فرقه‌ها، محمل و محلی برای بروز انواع رفتارهای مجرمانه محسوب می‌شوند. رهبران فرقه نیز زمینه و شرایط بروز و شیوع این رفتارها را فراهم کرده و آنها را آموزش می‌دهند.

بنابراین، فرقه‌ها از طریق تعمیق و یا ایجاد شکاف‌های اجتماعی و نیز بهره‌گیری از رفتارهای انحرافی، نظم اجتماعی را مختل و احساس امنیت عمومی را کاهش می‌دهند.

۲. فرقه‌گرایی به مثابه یک تهدید نرم‌افزاری

از منظر کارکردگرایی، هر نظام اجتماعی از طریق مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های نسبتاً مشترک در میان اعضا قوام و تداوم می‌یابد. مهم‌ترین کارکرد این جهان‌بینی مشترک، تعدیل تقاضاها، آرزوها و تمنیات و ایجاد حس خوش‌بینی و آرامش خاطر نسبت به شرایط موجود است. هرگونه عدم تعادل، صرف‌نظر از منشاء درونی و بیرونی آن، در نظام باورهای مشترک، ثبات اجتماعی را مختل می‌سازد؛ به خصوص اگر عوامل مخل تعادل نیز «سریع» و تند آهنگ باشند. زیرا از لحاظ جامعه‌شناسی، سرعت تغییر از اصل تغییر مهم‌تر است. تغییرات سریع، ثبات جامعه را برهم زده و مانع از بروز و ظهور تغییرات طبیعی در اجتماع می‌شود. (۲۲) شکل‌گیری نظام‌های عقیدتی متفاوت با نظام ارزشی مستقر و رایج، یکی از منابع مهم عدم تعادل ارزشی و نهایتاً بی‌ثباتی به حساب می‌آید. فرقه‌های مذهبی جدید که از ساختاری مدرن و غیر مرسوم برخوردارند و از شیوه‌های امروزی (مثل موسیقی و کامپیوتر) بهره می‌جویند، نه تنها در میان عموم مردم و قشرگریزان از نظام باورهای حاکم - به ویژه در بعد مذهبی - بلکه در دژهای به ظاهر تسخیرناپذیر مذهب سنتی نیز نفوذ می‌کنند و نگرش‌های انتقادی علیه عقاید مسلط را گسترش می‌دهند.

فرقه‌ها با طرح عقاید و باورهای جدید و جذاب و ایجاد امکان ارتباط با منابع معنوی و روحانی، به نیاز روحی و روانی شهروندانی که از نظم عقیدتی مستقر ناراضی بوده یا نسبت به آن کم عقیده هستند، پاسخ گفته و اخلال در نظام باورها را تسریع می‌بخشند. این امر می‌تواند

در نهایت به فروپاشی مذاهب سنتی بیانجامد. این فرقه‌ها؛ آرمان‌ها، نهادها و سلسله مراتب مذاهب سنتی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم تخطئه نموده و درهای جدیدی را برای نسل‌گریزان از ایدئولوژی رسمی اما طالب معنویت می‌گشایند. بنابراین، فرقه‌ها و جنبش‌های جدید دینی مهم‌ترین منبع تعارض ایدئولوژیک به شمار می‌آیند و این تعارض در نظام‌های سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی جدی‌تر است. در نظام‌های لائیک و لیبرال، این تضاد در سطح نظام اجتماعی باقی می‌ماند اما در نظام‌های ایدئولوژیک و عقیدتی که بر قرائت مشخصی از مذهب استوار شده‌اند، فرقه‌گرایان به سرعت مبنای مشروعیت حکومت را هدف گرفته و چهره اپوزیسیون به خود می‌گیرند. برای مثال می‌توان از فرقه *فالون گونگ* در چین نام برد. این فرقه در طی ۱۴ سال، صدمیلیون پیرو جذب کرده و از حزب کمونیست این کشور با ۶۰ میلیون عضو پر قدرت‌تر است. این فرقه، به سرعت ماهیت اعتراضی پیدا کرده و حتی به نظر «انجمن بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن»، «فالون گونگ از تهدیدهای اصلی حاکمیت چین است». رشد این عقاید به حدی است که در مقامات عالی سیاسی - نظامی و حزبی چین نیز نفوذ کرده و مطابق ادعای رئیس کنگره خلق: مبارزه با فالون گونگ جدی‌ترین کشمکش سیاسی - ایدئولوژیکی پیش‌روی دولت است. (۲۳) این فرقه در سال ۱۹۹۲، پس از سرکوب جنبش دانشجویی در میدان *تیان آنمن* به وجود آمده است. به این ترتیب، فرقه‌ها نقش مهمی در تضعیف وحدت سیاسی جامعه و تزلزل در مبنای مشروعیت نظام سیاسی ایفا می‌کنند و این مسأله از طریق اختلال در فرآیند فرهنگ‌پذیری رخ می‌دهد. نحوه برخورد دفتر تحقیقات فدرال^۱ آمریکا با فرقه داویدیان در سال ۱۹۹۶ که با خشونت تمام همراه بود، نشان می‌دهد که موضوع فرقه برای همه دولت‌ها اهمیت فراوان دارد. این حساسیت‌ها نشان دهنده آن است که دولت‌ها برای حفظ یکپارچگی عقیدتی مردم و جامعه متبوع خود جدیت دارند.

1. FBI

۳. فرقه‌گرایی و خشونت

فرقه‌های موجود را به لحاظ منشاء و ریشه تاریخی، میزان ارتباط با ادیان بزرگ (مثل اسلام، مسیحیت، یهود، بودا و زرتشت)، خاستگاه و ابزارها و تکنیک‌ها، می‌توان به دو نوع سنتی و مدرن تقسیم کرد. همچنین فرقه‌ها را به واسطهٔ زمینه‌سازی برای بروز خشونت و یا ارتکاب به آن، می‌توان به دو نوع کلی خشونت‌گرا یا مسالمت‌گرا تقسیم کرد. با به کارگیری این دو معیار، می‌توان چهار نوع فرقه را به لحاظ منشاء و روش، مطابق جدول ذیل بازشناسی کرد.

تقسیم‌بندی فرقه‌ها:

مسالمت‌آمیز	خشونت‌گرا	روش
		منشاء
+	+	سنتی
+	+	مدرن

بر اساس تقسیم‌بندی فوق، فرقه‌های سنتی و مدرن (هر دو)، می‌توانند آبهستن بروز خشونت سیاسی و استفاده از این ابزار باشند و اعضای خود را در این خصوص تحریک و تشجیع نمایند. حال سؤال آن است که کدام زمینه‌ها و شرایط، موجب سوق یافتن فرقه‌ها به خشونت می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است به برخی از ویژگی‌های جامعه‌شناختی فرق به شرح ذیل اشاره کرد:

۱. تعصب و جزمیت اعضا بر آئین و باورهای فرقه، خصیصهٔ ذاتی فرقه‌ها به شمار می‌آید. فرقه‌ها برای خود، رسالت جدی (هزاره‌ای) قایل‌اند.
۲. کوچکی گروه و محدودیت اعضا و «احساس در اقلیت بودن»، در بین فرق مشهود است. به نظر کاستلز، هویت‌های جدید دینی نوعی «هویت مقاومت» علیه جهانی شدن است. (۲۴) در حقیقت، فرقه‌گرایی نوعی تلاش برای هویت‌یابی نسل جدید در شرایط مدرن است.

۳. افراط‌گری و تندروی در بعضی فرقه‌ها وجود دارد و این موضوع از طریق ضدیت با دیگران معنا می‌یابد. گاهی فرق، هویت خود را در نفی دیگران جستجو می‌کنند. بنابراین فرآیندهای خصومت‌ورزی، تضاد و تکفیر از سوی فرق و در درون آنها همواره ساری و جاری است.

۴. قطبیت و اهمیت محوری سران، رهبران و قطاب، ویژگی دیگر فرقه‌هاست؛ تا حدی که اغلب با مرگ و کناره‌گیری اقطاب اصلی و بنیان‌گذار، تحرک فرقه نیز کاهش یافته و یا از بین می‌رود.

۵. تا زمانی که عقاید فرقه رواج عمومی نیافته است، فرقه‌ها رسمیت پیدا نمی‌کنند. بنابراین تصور غیرقانونی و غیرآشکار بودن برای اعضای فرقه به وجود می‌آید. تصور پنهانی بودن، زمینه را برای استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز آماده می‌کند.

۶. انشعاب و جریان‌سازی در درون فرقه‌ها، به صورت جدی مشهود است.

ویژگی‌های پنجگانه فوق موجب سوق یافتن اعضای فرقه به استفاده از خشونت می‌شود.

خشونت در فرقه‌ها در سه بعد یا جهت قابل طرح است:

۱-۳. خشونت درون فرقه‌ای

از لحاظ تاریخی، کوچک‌ترین مسأله و حادثه‌ای که حاکی از عدم توافق اعضا یا رهبران باشد (به ویژه بر سر مسأله جانشینی رهبران فرقه)، اختلاف عمیقی به وجود آورده و باعث ایجاد گرایش‌ها و انشعاب‌های جدید در درون هر فرقه می‌شود. این امر به سبب سنت‌های تشکیلاتی خاص فرق و سبک هیأتی و غیرمنسجم بودن آنها (به ویژه فرقه‌های سنتی) است. رقابت‌های درونی، موجب شکل‌گیری انواع نحله‌ها و رگه‌های مختلف در درون فرق شده و زمینه‌های تنش، تضاد و خشونت را در آنها پدید می‌آورد.

۲-۳. خشونت بین فرقه‌ای

یکی از پدیده‌های ذاتی فرقه‌گرایی، شکل‌گیری انواع ضد فرقه‌ها^۱ است. (۲۵) این ضد فرقه‌ها گاهی از سوی سایر فرقه‌ها و گاهی از سوی متولیان دین رسمی به وجود می‌آیند.

(برای مثال فرقه‌های زیادی بر علیه بهائیت فعال شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها انجمن حجّتیّه بوده است). تعارض بین فرقه‌ها و ضدفرقه‌ها، منبع دیگر تنش و خشونت در نظام اجتماعی به شمار می‌آیند. تضادهای فرقه‌ای در پاکستان و هند از این جمله‌اند و عمدتاً خاستگاه بین فرقه‌ای دارند.

۳-۳. خشونت بین فرقه و حکومت

گاهی دامنه تعارض بین فرقه‌ها توسعه یافته و تبدیل به تضاد فرقه و نظام سیاسی می‌شود. البته در مواقع بسیار، این رویارویی آشکار نیست اما نفس اعمال خشونت اعضای فرقه علیه سایر شهروندان، موجب بی‌ثباتی سیاسی می‌شود. مثال بارز این رفتار، اقدام فرقه آئوم شننویکیو در ماه مارس ۱۹۹۳ در ژاپن است که طی آن تعدادی از مسافران، در اثر سه انفجار در کپسول‌های حاوی گازهای سمی در متروی توکیو کشته شدند. (۲۶) دامنه به کارگیری خشونت توسط فرقه‌های مذهبی تا بدانجاست که بعضی معتقدند همه مذاهب پتانسیل تبدیل به جنبش‌های تروریستی را دارند؛ در حالی که ترور توسط فرقه‌ها و نه ادیان بزرگ تاریخی انجام می‌شود و عملیات تروریستی توسط فرقه‌گرایان رواج یافته است. (۲۷)

ورود فرقه‌های مذهبی به عرصه سیاست و بهره‌گیری آنها از ابزار خشونت، در پاره‌ای مقاطع به دلیل اراده مقامات سیاسی و رقبا برای سوء استفاده از ارزش‌های فرقه‌ای است. به عبارت دیگر، کنش‌های فرقه‌ای در این شرایط رنگ سیاسی به خود می‌گیرد. برای مثال تعارض بنیادی در پاکستان، بین فرق سنی و شیعی کاملاً مشهود است؛ در حالی که این تعارضات توسط جریان‌های سیاسی قوی‌تر که ماهیت غیرفرقه‌ای دارند، حمایت و تشجیع می‌شوند. در چنین شرایطی، وقتی دولت نتواند تعارضات فرقه‌ای را حل یا تعدیل کند، با عدم مشروعیت و کارآمدی مواجه می‌شود. حتی ممکن است این مسأله به سقوط دولت بیانجامد که مبین بی‌ثباتی سیاسی شدید است.

بنابراین، فرقه‌گرایی از طریق ایجاد و دامن زدن به انواع تضادها، کشمکش‌ها و خشونت‌ها نقش مستقیمی در ایجاد بی‌ثباتی سیاسی ایفا می‌کند. خشونت‌های فرقه‌ای در اشکال مختلفی

قابل مشاهده است که از آن جمله‌اند: ترور، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، تخریب و بمب‌گذاری، اغتشاشات و ناآرامی‌های شهری.

نکته قابل توجه آن که بعضی از فرقه‌های مذهبی، علاوه بر فعالیت تجاری و برخورداری از سازمان‌های سیاسی، واحدهای شبه نظامی هم دارند. (۲۸) برای مثال فرقه آئوم شننویکیو، در سال ۱۹۹۰ وارد رقابت‌های سیاسی شد که شکست خورد. متعاقب آن با این پیش فرض که تهدیدات جهانی از ناحیه دولت واحد جهانی است که نماینده منافع شرکت‌های چندملیتی، امپریالیسم آمریکا و پلیس ژاپن می‌باشد؛ به سمت خرید اسلحه، هلی‌کوپتر، تانک و موشک‌های هدایت شونده رفت و توانست با خرید از روسیه خود را مسلح کند. (۲۹)

د. فرقه‌گرایی در روابط بین‌الملل

در عرصه روابط بین‌الملل، کشورها و قدرت‌های مختلف از ابزارهای متفاوت برای نفوذ و تحت فشار قرار دادن دولت‌های رقیب بهره می‌جویند.

به تجربه ثابت شده است که فرقه‌گرایی، ابزار و محمل مناسبی برای دخالت و نفوذ قدرت‌های خارجی، به ویژه قدرت‌های بزرگ سیاسی و جهانی در امور سایر کشورها به شمار می‌رود. قدرت‌های بزرگ از فرقه‌ها برای نفوذ و تأثیر بر اراده سیاسی دیگر حکومت‌ها استفاده می‌کنند. در این صورت، فرقه‌ها مانند اسب تروای دشمن عمل کرده و زمینه حضور و دخالت عوامل خارجی را در درون جامعه فراهم می‌کنند.

علیرغم اینکه طی ده سال اخیر، موضوع فرقه‌ها در اروپا، از یک پدیده نگران‌کننده به اولین معضل امنیت عمومی تبدیل شده است و ساز و کارهای مختلفی برای نظارت و کنترل آنها ایجاد شده؛ اما همین دولت‌ها به شدت از سوی آمریکا به خاطر برخورد با فرقه‌ها تحت فشار قرار دارند. در وزارت خارجه ایالات متحده، مرکزی به نام «دفتر دموکراسی، حقوق بشر و اشتغال و کار» تأسیس شده که به حمایت از فرقه‌های مذهبی - حتی در اروپا - می‌پردازد. همچنین در سال ۱۹۹۸، کنگره آمریکا در خصوص آزادی اقتصادی و دینی، قانونی را به تصویب رساند که بر مبنای آن، دایره‌ای در «دفتر فعالین حقوق بشر و دموکراسی»^۱ به نام «دفتر

بین‌المللی آزادی ادیان» تأسیس کرد. ریاست این دفتر را نیز فردی با مرتبه سفیری بر عهده داشت. علاوه بر آن، در هر سفارت نیز فردی در ارتباط با این دفتر به کار گمارده شده بود. در سایه کوشش‌های این دفتر، فرقه‌ها و تشکل‌های دینی (غیرقانونی) در جوامع مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند. (۳۰) در همین رابطه سازمان جدیدی که آن هم مستقیماً به کاخ سفید وابسته است؛ تحت عنوان «کمیسیون بین‌المللی آزادی ادیان آمریکا» راه‌اندازی شده است.

رهبران فرقه، نقدینگی فراوانی را (که عمدتاً تحت عنوان جمع‌آوری اعانه به دست آمده است) به آمریکا منتقل می‌کنند و در این راستا سناتورها، نمایندگان و مقامات عالی‌رتبه را برای حمایت از خود تحت فشار قرار می‌دهند. این فرقه‌ها از طریق رشوه و شانتاژ، اقدام به لابی‌نموده و از کاندیداهای مختلف حمایت می‌کنند. قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا، از شعارهایی نظیر «معنوی نمودن دنیا»، «دموکراسی» و «آزادی مذهبی» سوء استفاده می‌کنند. حمایت آمریکا از فرقه کلیسای سائیتولوژی آلمان که در معرض تحقیقات و فشارهای گسترده پلیس آلمان قرار گرفته بود و نیز پشتیبانی وسیع این کشور از فرقه فالون کونگ چین در همین راستا قابل تحلیل است.

افزون بر این، فرقه‌ها به عنوان عامل بی‌ثباتی سیاسی، نقش‌های چندگانه ذیل را به طور هم‌زمان ایفا می‌کنند:

۱. به تحریک عامل خارجی، بر علیه دولت مستقر فعالیت می‌کنند. انسجام و ساختار شبکه‌ای فرق، هزینه دولت‌های خارجی را در تحمیل اراده و نفوذ در سایر جوامع به شدت کاهش می‌دهد.
۲. دول خارجی به بهانه «حمایت از حقوق بشر» و «آزادی ادیان»، دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند.
۳. چون بسیاری از فرق فعالیت فرامرزی دارند، محمل و منبعی مهم برای نفوذ و کسب اطلاعات از سوی دول خارجی محسوب می‌شوند.
۴. در پاره‌ای شرایط، فرقه‌های تحت حمایت، نقش راست افراطی را ایفا می‌کنند که به علت خصلت افراط‌گری، زمینه‌ساز بروز خشونت سیاسی می‌شوند.
۵. فرقه‌ها، ابزار ایجاد تنش و اختلاف در جوامع رقیب هستند (مانند هند و پاکستان).

۶. گاه فرقه‌گرایی مذهبی، عامل تنش در روابط خارجی دولت‌ها است. برای مثال می‌توان به نقش فرقه‌های وهابی در روابط ایران و پاکستان اشاره کرد. (۳۱) گاه فعالیت فرقه‌ها موجب طرح ادعاهایی نظیر نقض حقوق بشر از سوی سازمان‌های بین‌المللی شده و عامل تشدید فشار خارجی بر علیه دولت‌ها می‌شود.

یکی دیگر از ابعاد بی‌ثبات کننده فرقه‌ها، سوء استفاده قدرت‌های خارجی از اقطاب فرق است که مصادیق تاریخی متعددی در این زمینه وجود دارد. از جمله حمایت روس و انگلیس از فرق بابیه، بهائیه، ازلیه، و وارکینه. اسماعیل راین در کتاب حقوق بگیران انگلیس، به کرات از وابستگی جدی سران و اقطاب دراویش به دول انگلیس و روس سخن گفته است. همچنین ارتباطات خارجی فرق و امکان نفوذ آنها در مسئولین حکومتی، حساسیت‌ها را در این خصوص دو چندان می‌کند.

نتیجه‌گیری

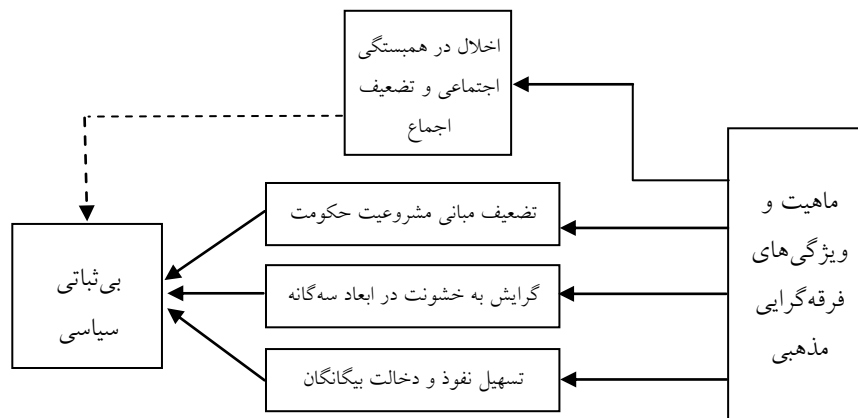
در مقام جمع‌بندی این مقاله، می‌توان به دو کارکرد منفی و به ظاهر متفاوت فرقه‌گرایی مذهبی در جوامع مختلف اشاره نمود:

۱. اختلال در همبستگی و نظم اجتماعی

۲. اختلال در ثبات سیاسی و مشروعیت حکومت

هرچند این دو کارکرد در نظام‌های فرقه‌ای و فرقه‌گرایی، قابل مشاهده است؛ اما با نگاهی واقع‌بینانه باید اذعان کرد که فرقه‌ها کانون‌هایی از انرژی هستند که در عین ایفای کارکردهای منفی، می‌توانند کارکردهای مثبتی را نیز به همراه داشته باشند که این مقاله در مقام بررسی آنها نبوده است.

در نهایت، ساز و کار و تأثیر فرقه‌گرایی مذهبی بر ثبات سیاسی را می‌توان در مدل نظری ذیل خلاصه کرد:



یادداشت‌ها

۱. همیلتون، مالکوم، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، تهران، تیبان، ۱۳۷۷، ص ۳۴۸.۲.
2. Bowker, John, *World Religions (The Oxford Dictionary)*, Oxford, Oxford University Press, 1996, p213.
۳. مالرب، میشل، *انسان و ادیان*، مهران توکلی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۱، صص ۲۳۴ و ۲۳۷.
۴. *جامعه‌شناسی دین*، پیشین، ص ۳۴۲.
۵. تامسون، کنت و دیگران، *دین و ساختار اجتماعی*، علی بهرام‌پور و حسن محدثی، تهران، کویر، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱.
۶. همانجا، ص ۱۱۴.
۷. همانجا، ص ۱۱۸.
8. Bainbridge, William, *The Sociology of Religious Movements*, London, Routledge, 1999, p 41.
9. Wilson, Bryan and Cresswell, James, *New Religious Movements*, London, Routledge, 1997, p16.
10. *The Sociology of Religious Movements*, op. cit, p3.
11. *New Religious Movements*, op. cit, p 41.
۱۲. جلالی مقدم، مسعود، *درآمدی به جامعه‌شناسی دین*، تهران، مرکز، ۱۳۷۹، ص ۲۰۲.
۱۳. برای آگاهی بیشتر نک:
- هرویولژه، دانیل، «باز ترکیب‌های دینی و گرایش‌های کنونی «جامعه‌شناسی ادیان در فرانسه»» امیرنیک‌پی، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره بیستم، زمستان ۱۳۸۰.
14. *New Religious Movements*, op. cit, p 60.
۱۵. کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات، ج دوم، قدرت هویت*، حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۳۰.
۱۶. *جامعه‌شناسی دین*، پیشین، ص ۳۶۰.
۱۷. برای آگاهی بیشتر نک:
ساندرز، دیوید، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۰، فصل سوم.
۱۸. کوزر، لوئیس، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۰.

۱۹. ریویر، کلود، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶.
۲۰. *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، پیشین، ص ۴۳.
۲۱. *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، پیشین، ص ۲۵۴.
۲۲. برای آگاهی بیشتر نک:
- جانسون، چالمرز، *تحول انقلابی، بررسی نظری پدیده انقلاب*، حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۳. «چین و معضلی به نام فالون کونگ»، *حیات نو*، ۱۳۷۹/۸/۲۴، ص ۶.
۲۴. *عصر اطلاعات، قدرت و هویت*، پیشین، ص ۲۴.
25. *The Sociology of Religious Movement*, op. cit pp 213 – 235.
۲۶. *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، پیشین، ص ۱۳۰.
۲۷. صدری، محمود، «ادیان و بدعت‌های تروریستی»، *همشهری*، ۱۳۸۲/۴/۱۰.
۲۸. *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، پیشین، ص ۱۲۹.
۲۹. همانجا، ص ۱۳۷.
۳۰. *جام جم*، ۱۳۸۰/۵/۱.
۳۱. علی‌اکبرپور، رضا، *نقش فرقه‌گرایی مذهبی (وهابیت) در روابط جمهوری اسلامی ایران و پاکستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.